

شأنیت اخلاقی رویان

نویسندگان:

محمدحسین مدبر*^۱، وحیده مدبر^۲، نوید کلانی^۱

۱- مرکز تحقیقات اخلاق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران

۲- دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

Journal of Education and Ethics in Nursing, Vol.7, No.1&2, Spring & Summer 2018

چکیده:

مقدمه: در روند I.V.F و روش‌های مشابه آن، تخمک‌های بارور شده فراوانی به شیوه‌های مختلف نابود می‌شوند در حالی که امکان زنده ماندن و تبدیل آن‌ها به انسان‌هایی چون ما، وجود دارد. سؤال اساسی این است که این عمل از نگاه «اخلاق زیست پزشکی» که یکی از زیرشاخه‌های اخلاق کاربردی است، قابل توجیه است یا خیر؟

روش کار: مطالعه حاضر با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و مقالات علمی در این زمینه گردآوری شده است.

نتیجه‌گیری: در پاسخ این سؤال دو دیدگاه وجود دارد: یکی آن که رویان را در این مرحله دارای شأنیت اخلاقی می‌شمرد؛ بنابراین از بین بردن رویان‌های اضافی را در شرایط عادی خلاف اصول مسلم و پذیرفته شده اخلاقی می‌داند و دیگری دیدگاهی که نقطه مقابل آن است. نگارندگان به دیدگاه اول معتقدند است و دلایل متعددی برای اثبات مدعایش بیان نموده و دلایل دیدگاه مخالف را ارزیابی و نقد کرده است. لکن جهت برون رفت از چالش شأنیت اخلاقی رویان، پیشنهادهایی نیز ارائه نموده است تا این بحث مانعی بر سر راه تحقیقات و شیوه‌های نوین درمان ناباروری تلقی نگردد.

واژگان کلیدی: شأنیت اخلاقی، رویان، شأنیت انسانی

J Educ Ethics Nurs 2018; 7(1&2):343-348

مقدمه:

حیوانات، پیوند اعضا، شبیه‌سازی و ... مطرح می‌شود. در فرآیند I.V.F لزوماً رویان‌های زیادی از بین می‌روند. برای I.V.F باید تخمک‌های بسیاری را بارور ساخت و سرانجام یکی را انتخاب کرد. این کار قطعاً از بین رفتن سایر تخمک‌ها را در پی خواهد داشت. سؤال اساسی این است که آیا اخلاقاً مجاز به این کار هستیم؟ برخی از صاحب نظران و به طور مشخص، کلیسای کاتولیک به این سؤال، جواب منفی داده و این عمل را غیراخلاقی دانسته و حتی آن را «قتل نفس» دانسته‌اند. اما برخی دیگر با این ادعا که تخمک‌های بارور شده فاقد حدنصاب شخصیت انسانی‌اند و در نتیجه از شأنیت اخلاقی برخوردار نیستند، خاتمه دادن به حیات نباتی این تخمک‌های بارور شده را غیراخلاقی ندانسته و

شیوه‌های نوین درمان ناباروری نظیر لقاح در خارج از بدن یا آی‌وی‌اف (I.V.F (In Vitro Fertilization و روش‌های مشابه آن، یکی از موضوعات اخلاق زیست پزشکی است. اخلاق زیست پزشکی یعنی اخلاق موضوعاتی که بر اثر پیشرفت زیست‌شناسی به وجود آمده و با بهداشت، سلامت و درمان مرتبط می‌باشد. اشکال مهم به I.V.F و روش‌های مشابه، این است که به طور مستمر جنین‌هایی را تولید و متعاقباً نابود می‌سازد. از آنجا که این کار با شئون اخلاقی جنین، ارتباط دارد، به لحاظ اخلاقی مورد اشکال قرار گرفته است. به راستی آیا رویان انسانی واجد چنین شئونی هست یا خیر؟ مسأله شئون اخلاقی در بسیاری از موضوعات دیگر زیست پزشکی، نظیر سقط جنین، آزمایش

*نویسنده مسئول، نشانی: مرکز تحقیقات اخلاق پزشکی، دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی جهرم، جهرم، ایران.

پست الکترونیک: Mhm3733@yahoo.com

تلفن تماس: ۰۹۱۷۷۹۲۳۷۳۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۷/۳/۶

عیار گردد. محروم کردن این موجود از حق حیات و بهره‌مندی از مواهب آن، اخلاقاً امری نکوهیده است.

۳- رویان در این مرحله، هویت خویش را آغاز کرده و حتی جنسیتش مشخص است؛ بنابراین شأنیت اخلاقی او نیز آغاز شده است. دور ریختن آن، اگر عنوان قتل نفس نداشته باشد، توهین به شأن و کرامت انسانی است.

۴- برای این که باروری صورت گیرد، طبیعت و انسان سرمایه‌گذاری کرده‌اند؛ نابود ساختن رویان‌ها در این مرحله، تزییع سرمایه‌های انسانی نیز هست که اخلاقاً قابل توجیه نمی‌باشد.

۵- اگر برای شخصیت انسانی، ماهیتی تدریجی قائل باشیم و آن را یک روند و جریان بدانیم، آغاز آن، لقاح است. بنابراین رویان در این مرحله، شخص است نه شیء، شخص است نه مال و مملوک که دیگران حق داشته باشند هرگونه بخواهند با وی رفتار کنند.

۶- آدمی موجودی مختار اما مسؤول است؛ مجبور نیست کاری را انجام دهد اما اگر انجام داد، مسؤول تبعات و عواقب آن کار نیز هست. با بارور کردن تخمک، موجودی پای به عرصه وجود می‌نهد که می‌تواند یکی از شخصیت‌های ممتاز دنیای ما انسان‌ها گردد. آیا می‌توان گفت: متخصص مربوطه بدون هیچ ملاحظه‌ای می‌تواند در یک لحظه تعداد زیادی از این موجودات را راهی سطل زباله نماید؟

۷- نظریه پذیرفته شده و پیشرفته «حرکت جوهری» صدرالمتألهین یعنی «جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء» بودن آدمی، گویای این است که انسانیت انسان و شأن انسانی او از دامان همین جسم هویدا می‌شود بنابراین به نحوی، از آغاز تکوین همراه با جسم انسان است.

۸- رویان در این مرحله، جسمی بی جان نیست؛ جاندار است. قابل مقایسه با جنین سایر جانداران نیز نیست. این گونه هم نیست که فقط دارای حیات نباتی باشد بلکه موجودی است که در درون خود گوهری به نام انسانیت دارد. استعدادی که در هیچ موجود یا جنین دیگری نیست. آیا می‌توان گفت ما در قبال چنین موجودی هیچ مسؤولیت اخلاقی نداریم؟

۹- رویان در این مرحله با زبان حال، وابستگی و استمداد خود را اعلام می‌دارد؛ او نیازمند مساعدت و پرورش است. نابودی چنین موجودی، قابل مقایسه با کشتن انسان مظلوم و نیازمند است؛ بنابراین اخلاقاً امری ناپسند می‌نماید.

۱۰- شأن انسانی انسان، ربطی به میزان تکامل و بلوغ جسمی یا عقلی او ندارد. انسان، انسان است حتی اگر از تمامی حواس محروم باشد. آن چه مهم است این است که رویان، این روند را

مجاز می‌شمارند. به همین خاطر برای حصول اطمینان بیشتر گاهی ده‌ها تخمک را بارور کرده و در نهایت یکی را حفظ و مابقی را نابود می‌سازند.

بحث:

شأنیت اخلاقی:

به نظر می‌رسد بسیاری از نظریه پردازان در اینجا میان «شأنیت اخلاقی» و «شأنیت انسانی» خلط کرده‌اند و این دو را یکسان انگاشته‌اند. اینان سعی کرده‌اند با این ادعا که رویان در این مرحله، انسان نیست، آن را فاقد شأنیت اخلاقی معرفی نمایند، در حالی که ملازمه‌ای بین این دو نیست. آیا ما فقط در برابر انسان‌ها مسؤولیت اخلاقی داریم؟ چه کسی می‌پذیرد که گفته شود ما در برابر همه موجودات زنده و مظاهر محیط زیست مسؤولیم اما در قبال موجود زنده‌ای که به واسطه دخالت و اقدام ما، قابلیت آن را دارد که انسانی هم چون ما گردد، هیچ گونه مسؤولیت اخلاقی نداریم؟ آغاز شأنیت اخلاقی یعنی: زمانی که شرایط و ویژگی‌های یک موجود به گونه‌ای باشد که ما در قبال آن، مسؤولیت اخلاقی داریم. به عبارت دیگر رفتار ما با او قابل ارزیابی اخلاقی گردد و به رفتار خوب یا بد، صواب یا خطا متصف گردد.

دیدگاه شأنیت اخلاقی رویان انسانی:

عمده ترین نکاتی که در دفاع از این دیدگاه می‌توان بیان نمود به شرح زیر عبارت است از:

۱- از دیدگاه علم پزشکی، به ویژه جنین شناسی، حیات انسان از لحظه لقاح آغاز می‌شود. بدین ترتیب بارور گشتن یک تخمک انسانی توسط یک اسپرم انسانی که ظرف مدت کوتاهی عضو جدیدی را به اعضای خانواده انسانی می‌افزاید، هم زمان با شروع حیات در انسان است. لقاح یعنی به هم پیوستن شمار مشخصی کروموزوم، نیمی از سوی پدر و نیمی از سوی مادر در لحظه‌ای خاص از زمان. هر یک از کروموزوم‌های پدر و مادر به محض پیوستن به یک دیگر تشکیل یک زیگوت (zygote) یا سلول تخم را می‌دهند که ماهیتی جدا از دو کروموزوم سازنده آن دارد [۱]. تقریباً تمامی متون راجع به مسائل پزشکی در این باره موافقت که «جنین انسان» از نظر ژنتیکی، انسان محسوب می‌شود و یک واحد زنده و مجزا است که از نظر ارگانیک منفرد بوده و دارای توان قائم به ذات خود برای منظم نمودن مکانیسم رشد، تکثیر سلولی و تمایز از سایر موجودات پیرامونی است و به طور طبیعی می‌تواند تبدیل به یک انسان بالغ گردد [۲].

۲- زیگوت موجودی است که دارای ژنوم انسانی بوده و زنده تلقی می‌شود. موجودی که قادر است تبدیل به یک انسان کامل و تمام

کسانی که برای جنین، شأنیت اخلاقی و انسانی قائل هستند، میان این دو معنا از انسان، خلط کرده‌اند. واقعیت این است که وقتی گفته می‌شود: «جنین، انسان است» یعنی این که این جنین به رده بیولوژیکی خاصی تعلق دارد بدین ترتیب این جنین با جنین سایر موجودات متمایز است اما هنگامی که گفته می‌شود: «کشتن انسان اخلاقاً خطاست» مقصود، کشتن عضوی از اعضای جامعه اخلاقی است. خانم وارن معتقد است این موجود برای این که دارای شأنیت اخلاقی گردد بایستی واجد ویژگی‌های زیر باشد:

۱. هوشیاری: قدرت ادراک اشیاء و حوادث درونی و بیرونی و مشخصاً توانایی احساس درد.

۲. استدلال: توانایی توسعه یافته حل مسائل نسبتاً پیچیده.

۳. فعالیت خودانگیخته: فعالیتی که نسبتاً مستقل از موجود دیگری یا عنصری بیرونی است.

۴. قدرت ارتباطی: توانایی ارتباط برقرار ساختن به شکل‌های گوناگون با افراد و اشیای متفاوت.

۵. آگاهی به خود: داشتن تصویری از خود و آگاهی به خویشتن فردی یا نژادی.

وی در ادامه می‌گوید: «بنابراین نه مشابهت جنین به انسان، نه امکان بالقوه انسان شدن آن، به هیچ روی بنیادی برای این استدلال که جنین دارای حق مهمی برای زیستن است، فراهم نمی‌آورد» [۵].

۲- برخی دیگر هم چون "سامنر" معتقدند که جنین هنگامی موقعیت اخلاقی یک انسان کامل را پیدا می‌کند که توانایی احساس درد و لذت را کسب کند و این امر در سه ماهه دوم بارداری اتفاق می‌افتد. در این دوره است که جنین پای به مرحله کاملاً تازه‌ای می‌گذارد و از مراحل قبلی متمایز می‌گردد از این رو قبل از این دوره، سقط جنین مجاز است ولی پس از آن، غیراخلاقی است [۶].

۳- برخی از فمینیست‌ها مانند خانم «سوزان شروین» معتقدند که این مادر است که تصمیم می‌گیرد جنین را به دید یک موجود اخلاقی بنگرد و برای آن حق حیات و سایر حقوق در نظر بگیرد یا این که در هر زمان که بخواهد هر چند در ماه‌ها و حتی روزهای آخر حاملگی جنین خود را سقط نماید. بنابراین ایشان نیز برای جنین در هیچ کدام از مراحل تکوین، شأنیت مطلق اخلاقی قائل نیستند. زیرا اصل مادر است؛ اوست که رنج‌های حاملگی را تحمل می‌کند و اوست که تعیین می‌کند که جنین دارای شأنیت اخلاقی هست یا خیر.

۴- اگر رویان واجد شأنیت اخلاقی و انسانی بود بایستی از بین بردن آن، یکی از مصادیق قتل انسان باشد و همان مجازات کشتن انسان بالغ و کامل را در پی داشته باشد در حالی که در تمام دنیای کنونی علیرغم همه تفاوت‌ها در فرهنگ و مذهب و

آغاز کرده و توان به پایان رسانیدن آن را دارد؛ پس حق دارد زنده بماند و کسی مجاز نیست این طبیعی‌ترین حق را از او دریغ دارد. ۱۱- ادیان که همواره طلایه دار اصول و موازین اخلاقی بوده‌اند، برای رویان در این مرحله، احترام قائل هستند. اکثر عالمان دینی و فقیهان در شرایط عادی، سقط جنین را در این مرحله مجاز نمی‌دانند. ظاهراً در میان فقهای شیعه در باب حرمت سقط جنین، اختلاف نظری نیست. از نظر آنان رشد جنین دارای یک پیوستار است و نمی‌توان مرحله‌ای را از مرحله دیگر جدا کرد و سقط را تا جایی مجاز و پس از آن حرام دانست. البته همه فقها با توجه به رشد جنین و مرحله‌ای که در آن به سر می‌برد، دیه‌ای متناسب با آن در نظر می‌گیرند و دیه جنین پنج ماهه را با جنین یک ماهه برابر نمی‌دانند. این از جنبه حقوقی و وضعی سقط جنین است، وگرنه از نظر تکلیفی میان فقها تفاوتی در حرمت سقط جنین در هر مرحله‌ای که باشد، نیست. این حرمت همه مراحل بارداری را فرا می‌گیرد. استفتای آتی از فقهای شیعه و پاسخ آنان، گویای این وحدت نظر است.

امام خمینی (ره) در برابر استفتایی به این شرح که «آیا بعد از انعقاد نطفه از بین بردن آن، جایز است یا نه؟» پاسخ می‌دهند «بعد از انعقاد نطفه جایز نیست»

آیت الله تبریزی نیز در پاسخ به استفتایی با همین مضمون فتوا می‌دهد که «سقاط جنین جایز نیست» و آیت الله خوبی به صراحت، سقط جنین را در هر مرحله‌ای حرام دانسته و می‌گوید: «سقط جنین جایز نیست، اگر چه نطفه باشد» [۳].

یکی از پژوهشگران پس از بررسی دیدگاه فقه شیعه در این مورد می‌نویسد: «در حرمت سقط جنین، تردید وجود ندارد حتی در هنگامی که نطفه باشد بلکه اگر زن احتمال بارداری در خود بدهد، نمی‌تواند دارویی بخورد که موجب سقط جنین شود» [۴].

دیدگاه عدم شأنیت اخلاقی رویان انسانی:

مهم‌ترین دلایل صاحب نظرانی که رویان را در مرحله مورد نظر ما، فاقد شأنیت اخلاقی می‌دانند به شرح زیر عبارتند از:

۱- برخی هم چون "ماری آن وارن" معتقدند که جنین انسانی در هیچ کدام از مراحل حیات و تکامل، واجد حد نصاب شخصیت انسانی و اخلاقی نیست. بنابراین هیچ کس در قبال آن مسئولیت اخلاقی ندارد و آن نیز دارای هیچ حقی از جمله حق حیات و زنده ماندن نیست. وی معتقد است که «انسان» دو معنا دارد که بایستی از یک دیگر متمایز شود؛ گاه معنای «انسان» یعنی: موجودی که دارای ویژگی‌هایی است که او را از سایر جانداران متمایز می‌سازد و این معنای بیولوژیک انسان است.

معنای دوم انسان یعنی: موجودی که متعلق به جامعه اخلاقی است و دارای شخصیت و شأنیت اخلاقی است. وی معتقد است

"جان نونان" در مقاله‌ای که با عنوان «ارزشی تقریباً مطلق در تاریخ» منتشر ساخته است، هیچ کدام از این پارامترها قطعی نیستند. وی سرانجام این نظر پیش می‌کشد که تنها معیار انسان بودن موجودی، داشتن کدهای ژنتیکی انسانی است که رویان از آغاز لقاح واجد آن است» [۱۰].

نتیجه گیری:

پس از ملاحظه و تأمل در دلایل پیش گفته آن چه می‌توان بیان نمود، این است که: فرضاً رویان در این مرحله واجد حدنصاب شخصیت انسانی و شأنیت اخلاقی نباشد، نمی‌توان انکار نمود که بستر و زمینه و ماده اولیه موجودی است بس ارزشمند به نام انسان. در میان خردمندان عالم گاهی تقدس و تعالی یک موجود به قدری زیاد است که قسمتی از آن تقدس به پیرامون آن نیز سرایت می‌کند و آن‌ها را نیز ارزشمند و دارای قداست می‌سازد. البته همان گونه که در مقدمه بیان شد نگارنده معتقد است مسئولیت اخلاقی در موضوع مورد بحث، وجود دارد هر چند وجود شأنیت انسانی رویان اثبات نگردد. از این گذشته با نگاهی منصفانه به دلایل طرفین برای هر صاحب خردی در مورد این که رویان دارای شأنیت اخلاقی هست یا خیر، دچار شک و تردید می‌شود که در این صورت، اهمیت حرمت «دما» و «نفوس» آدمیان و به حکم اصول و قواعد اخلاقی هم چون «آن چه برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز بپسند» و لزوم مراعات انصاف، حمایت نیازمند و درمانده و زشتی اسراف و تبذیر و امثال این‌ها، ما را ملزم می‌سازد که در اینجا جانب احتیاط را مراعات نماییم. (احتیاط عقلی).

علیهذا اگر ضرورت‌ها از بین بردن چنین موجوداتی را اجتناب ناپذیر نموده است، به حکم قاعده «المیسور» و «مالا یدرک کله لایترک کله» که قواعدی عقلی و هم چنین اخلاقی می‌باشند، پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- در باروری تخمک‌ها، به حداقل لازم و ضروری اکتفا شود.
- ۲- رویان‌های سالم حتی المقذور فریز شوند.
- ۳- به جای از بین بردن به شیوه "فعال (Active)" از روش "غیرفعال (Passive)" استفاده شود.
- ۴- محقق و متخصص مربوطه این عمل را رفتاری غیراخلاقی اما غیرقابل اجتناب بداند و برای جلوگیری از این رفتار یا کم کردن دامنه آن تلاش کند.
- ۵- قبل از نابود ساختن تخمک‌های بارور شده اضافی رضایت صاحبان اسپرم و تخمک را جلب نماید تا احیاناً مسئول پرداخت دیه نگردد.

عقیده و علیرغم وجود نظام‌ها و سیستم‌های حقوقی گوناگون، در هیچ کجا برای از بین برنده رویان در مرحله مورد بحث، مجازات جرم قتل در نظر گرفته نمی‌شود. شمار دیگری از صاحب نظران، نقطه آغاز شخصیت اخلاقی را به شرح زیر چنین می‌دانند:

زمانی که جنین قابلیت زیست مستقل از مادر پیدا می‌کند. پایان دوره رشد جنینی یعنی زمانی که تمامی ارگان‌های بدنی ظاهر می‌گردد.

باروخ برودی یکی از جنین‌شناسان مشهور معتقد است که قابلیت ادراک و حس یعنی زمانی که مغز جنین شروع به فعالیت می‌کند، نقطه شروع شخص بودن است و معتقد است که جنین در سه ماهه دوم حیات خود به این قابلیت دست می‌یابد [۷]. زمانی که قلب جنین شروع به طپش می‌کند [۸].

ارزیابی دلایل:

برخی از ویژگی‌هایی که خانم وارن برای واجد شدن شأنیت اخلاقی برشمرد، تا پایان تکوین مراحل جنینی و حتی ماه‌ها بعد از تولد برای کودک حاصل نمی‌شود. بنابراین جنین و حتی کودک چندماهه دارای شأنیت اخلاقی نیست. پس می‌توان آن را کشت و اخلاقاً هم مسئول نبود. سخنی که هیچ صاحب خردی آن را نمی‌پذیرد. معیاری که آقای «سامنر» بیان کرد یعنی احساس درد و لذت اولاً در میان احساس‌های جنین چرا این دو احساس، گزینش شده‌اند؟ ثانیاً چگونه می‌توان دقیقاً معلوم کرد که در چه زمانی این احساس در جنین پیدا می‌شود؟ این سؤالی است که تاکنون بی‌جواب مانده است.

اما آن چه فمینیست‌ها می‌گویند در واقع مستلزم انکار اصول و قواعد عام و مطلق اخلاقی است. اخلاق، زمانی معنی و مفهوم پیدا می‌کند که بتوان از اصول و قواعد کلی و عام سخن گفت نه آن را در حد ذوق و سلیقه افراد فرو کاهید و آن را به ورطه نسبیت کشانید. و اما آن چه در مورد مجازات قتل گفته شد، اولاً بحث ما اخلاقی است نه فقهی و حقوقی ثانیاً آنان که مجازات کشتن جنین حتی پس از دمیده شدن روح، قصاص نمی‌دانند، منکر انسان بودن و شأنیت اخلاقی و انسانی جنین نیستند بلکه معتقدند برای اجرای قصاص، بایستی ویژگی‌های قاتل و مقتول یکسان باشد. جالب این است که برخی از فقهای معاصر [۹] معتقدند که قاتل کودک نابالغ را نمی‌توان قصاص نمود چرا که یکسان بودن قاتل و مقتول از نظر بلوغ، شرط اجرای قصاص است. بالاخره آن چه به عنوان ملاک و معیار برای نقطه آغاز شخصیت انسانی از طرف صاحب نظران متعدد بیان شد، واقعیت این است که به گفته

References:

1. Mehregan AH. Abortion and human rights in the outlook of international laws. *J Reprod Infertility* 2005; 6(4):410-440.
2. Fisher A. *IVF the critical Issues*. Melbourne: Collins Dove; 1989: 133.
3. Eslami S H. Ethical approaches to abortion; a case study. *J Reprod Infertility* 2005; 6(4):321-342.
4. Gheblei KH. Legal and legal study of abortion laws. *Legal Perspect Q* 1998; 3(9); 45.
5. *Contemporary moral problems*, James white. New York: West Publishing Company; 1997: 141.
6. Driver J. Pleasure as the standard of virtue in humans' moral philosophy. *Pacific Philos Q* 2004; 85: 173-194
7. Mohagheghe Damad SM. Research on abortion, issues and issues surrounding it. *Cent Study Med Ethics* 1996; 5; 164.
8. Najafi SH. *Medical law*. Tehran, Gang Danesh, 1995: 133.
9. Khoei A. *Mabani Tokamaleh Almenhaj*. 2nd. Najaf Ashraf 2015: 417.
10. Noonan JT. An almost absolute value in history. *Hum Life Rev* 1985 Winter-Spring; 11(1-2):125-78.

Embryo Moral Dignity

MohammadHossein Modabber*¹, Vahideh Modabber², Navid Kalani¹

Received: 2018/05/27

Accepted: 2018/08/29

1. Medical Ethic Research Center, Jahrom University of Medical Sciences, Jahrom, Iran

2. Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

Journal of Education and Ethics in Nursing, Vol.7, No.1&2, Spring & Summer 2018

J Educ Ethics Nurs 2018;7(1&2):343-348

Abstract:

Introduction:

In the process of I.V.F and other similar methods, fertilized eggs are destroyed in various ways, while there is a possibility of their survival and of their transformation into humans such as us. The basic question is that whether this action is justifiable from the point of view of "bio medicine ethics", which is one of the subcategories of applied ethics?

Methods and Materials:

This study has been compiled using library studies and scientific articles in this field.

Conclusion:

There are two perspectives on this question: one that considers the embryo at this stage as having moral validity; therefore, the elimination of additional embryos in normal conditions is contrary to the accepted moral principles, and the other is the point of view opposite to it. The writers believe that the former is right and they have expressed various reasons for proving their claims. Furthermore, they assessed and criticized the reasons for the opposing view. Consequently, in order to get rid of this moral challenge of embryo, a number of suggestions have been proposed to prevent this discussion from being considered an obstacle to research and modern methods of treatment for infertility.

Keywords: Moral Dignity, Embryo, Human Dignity

* Corresponding author Email: Mhm3733@yahoo.com